



Classifying the Simple Verbs with the Complement of the Preposition /be/: a Corpus-based Research

Reza Morad Sahraei¹, Samira Mirzaei²

1. Professor of Linguistics, Department of Linguistics and Teaching Persian to non-Persian Speakers, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: sahraei@atu.ac.ir
2. Corresponding Author, M.A. of Teaching Persian to Foreign Language Learners, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: s.mirzaei@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 23 November 2021

Received in revised form: 12 March 2022

Accepted: 16 March 2022

Available online: 23 September 2022

Keywords:

preposition,
syntactic Valence of verb,
corpus linguistics,
prepositional object,
Persian language.

Among simple prepositions, we can name *az* 'from'; *be* 'to'; *da* 'in'; *ba'aye* 'for' and *ba* 'with'. The simple prepositions are the most frequent language unit when we search different corpora. This frequency confirms the importance of these language units. Prepositional phrases appear in the sentence either as an argument or as an adjunct. The purpose of this research is to classify the simple verbs with the object of the preposition /be/ in Persian language. This research has used Levin's approach in categorizing English verbs. Levin believes that the similarity of syntactic behavior and syntactic valence of verbs can lead to semantic similarities. In this paper, to investigate this issue, about 200 simple Persian sense verbs that have the object of the preposition /be/ were selected and extracted from the Syntactic Valency Lexicon for Persian Verb (gathered according dependency grammar), and then classified according to Levin's approach. The classification of the data indicated that these verbs could be grouped into seven semantic categories. It is obvious that achieving these semantic classes is useful for language learning and teaching the verbs as the core of the sentence.

Cite this article: Sahraei, R. M. & Mirzaei, S. (2021). Classifying the Simple Verbs with the Complement of the Preposition /be/: a Corpus-based Research. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 10 (3), 23-43.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2022.7181.1601



طبقه‌بندی معنایی افعال ساده دارای متمم حرف اضافه «به» ای: یک بررسی پیکره‌بنیاد

رضامراد صحرانی^۱، سمیرا میرزائی^۲

۱. استاد گروه زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: sahraei@atu.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: s.mrzaei@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

از حروف اضافه پرکاربرد زبان فارسی می‌توان به حرف‌های «از، به، در، برای و با» اشاره کرد. این حروف اضافه در جستجوهای پیکره‌ای و بررسی داده‌های زبانی از پربسامدترین تولیدات زبانی هستند و همین بسامد بالا می‌تواند مؤید نقش مهم این واحدهای زبانی باشد. گروه‌های حرف‌اضافه‌ای در جمله یا در نقش افزوده ظاهر می‌شوند یا نقش متممی ایفا می‌کنند. هدف پژوهش حاضر که بر نقش متممی حرف اضافه «به» متمرکز است، دسته‌بندی معنایی فعل‌های ساده با ظرفیت مفعول حرف‌اضافه «به» ای است. در این مسیر از رویکرد لوین در دسته‌بندی افعال زبان انگلیسی بهره گرفته می‌شود. لوین بر این باور است که شباهت رفتار نحوی و ظرفیت‌های نحوی افعال می‌تواند منجر به شباهت‌های معنایی شود. در نوشتار پیش رو حدود (۲۰۰) فعل ساده زبان فارسی که در ظرفیت آن‌ها مفعول حرف اضافه «به» ای وجود دارد، از فرهنگ ظرفیت نحوی افعال زبان فارسی انتخاب و استخراج شد و سپس تلاش شد تا با الهام از رویکرد لوین، دسته‌بندی معنایی روی این گروه از افعال صورت‌پذیرد. بررسی و دسته‌بندی داده‌ها نشان داد می‌توان این افعال را در هفت طبقه معنایی گروه‌بندی کرد. بدیهی است که دستیابی به این طبقات معنایی در فعالیت‌های مختلفی از جمله یادگیری زبان و تدریس فعل به‌عنوان هسته اصلی جمله بسیار کارآمد است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲ آذر ۱۴۰۰

تاریخ بازنگری: ۲۱ اسفند ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۵ اسفند ۱۴۰۰

دسترسی آنلاین: ۱ مهر ۱۴۰۱

واژه‌های کلیدی:

حرف اضافه،

ظرفیت نحوی فعل،

زبان‌شناسی پیکره‌ای،

مفعول حرف‌اضافه‌ای،

زبان فارسی.

استاد: صحرانی، رضامراد؛ میرزائی، سمیرا (۱۴۰۱). طبقه‌بندی معنایی افعال ساده دارای متمم حرف اضافه «به» ای: یک بررسی پیکره‌بنیاد.

فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۱۰ (۳)، ۲۳-۴۳.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2022.7181.1601

۱- مقدمه

حروف اضافه^۱ کلماتی هستند که در همراهی با اسم نمود می‌یابند. در زبان فارسی حروف اضافه، پیشین به‌شمار می‌روند و از همین رو، در نوشتار پیش رو به‌طور کلی برای اشاره به حروف اضافه پیشین زبان فارسی از عبارت حرف اضافه استفاده می‌شود؛ همچنین حروف اضافه به دو گروه حرف اضافه ساده یا بسیط^۲ و حرف اضافه مرکب^۳ تقسیم می‌شوند.

یکی از خطاهای رایجی که زبان‌آموزان به‌طور معمول با آن درگیر هستند، استفاده نابه‌جا از حروف اضافه مختلف است؛ به همین دلیل برنامه‌ریزی برای آموزش حروف اضافه در یادگیری و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان امری بسیار مهم و ضروری به‌نظر می‌رسد؛ همچنین در پردازش زبان طبیعی و آموزش ماشین توجّه به حروف اضافه از آنجاکه به‌مثابه واحدهای صوری حامل معنای دستوری در جمله ایفای نقش می‌کنند، ضروری است.

پژوهش حاضر می‌کوشد جایگاه حرف اضافه در مقام موضوع و ظرفیت فعلی را بررسی کند. تمرکز نوشتار پیش رو بر حرف اضافه «به» و فعل‌هایی است که در ظرفیت نحوی آن‌ها مفعول حرف اضافه «به‌ای» قرار دارد و با الهام از رویکرد لوین^۴ (۱۹۹۳) در دسته‌بندی افعال زبان انگلیسی نگارش شده است. لوین در دسته‌بندی افعال زبان انگلیسی، برای افعال، معنای نحوی قائل می‌شود و بیان می‌دارد که دلیل تشابه معنایی، رفتار نحوی مشابه آن‌ها است. این یعنی تشابه معنایی افعال و قرارگیری آن‌ها در یک دسته، مربوط به رفتار نحوی این گروه از افعال است. وی بر همین اساس واژه‌نامه‌ای از افعال زبان انگلیسی را ایجاد می‌کند و با این دیدگاه فهرستی حاوی (۲۴۰) دسته از افعال زبان انگلیسی را در (۴۷) طبقه اصلی به‌دست می‌دهد.

در زبان فارسی پژوهش‌های متعددی روی حروف اضافه صورت گرفته است، اما به‌طور مشخص در خصوص حرف اضافه «به» می‌توان به دو پژوهش رضویان و خاززاده (۱۳۹۳) و علی‌نژاد و آری‌پور (۱۳۹۸) که به بررسی شناختی حرف اضافه «به» پرداخته‌اند، اشاره کرد. رضویان و خاززاده (۱۳۹۳) معانی مختلف حرف اضافه «به» را از منظر معنی‌شناسی شناختی بررسی کرده‌اند و برای تحلیل داده‌های خود از رویکرد چندمعنایی تایلر و ایوانز^۵ (۲۰۰۳) در چارچوب معنی‌شناسی شناختی بهره برده‌اند.

1. preposition
2. Simple preposition
3. Compound preposition
4. B. Levin
5. A. Tyler & V. Evans

نگارندگان در نتیجه این پژوهش بیان می‌دارند که مفاهیم مختلف حرف اضافه «به» در یک مفهوم، یعنی الصاق و ارتباط ظاهر می‌شود و افزون بر این، عنوان داشتند که کاربرد مجازی حرف اضافه «به» انباشت معنایی استعاری را به همراه دارد؛ بنابراین باعث چندمعناشدن حرف اضافه «به» می‌شود.

علی نژاد و آرین‌پور (۱۳۹۸) ساختار شعاعی شبکه معنایی حرف اضافه «به» را از منظری شناختی بررسی کرده‌اند. نگارندگان پیکره‌ای شامل (۱۳۱۲) بیت از شاهنامه را انتخاب کردند و با بهره‌گیری از رویکرد چندمعنایی سامان‌مند تایلر و ایوانز، تغییرات معنایی ایجادشده در شبکه معنایی این حرف اضافه را بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در (۶۳۱) بیت از کل ابیات داستان بیژن و منیژه، (۷۸۹) بار حرف اضافه «به» تکرار شده است. معنای سرنمونی این حرف اضافه در شاهنامه در مفهوم الصاق و اتصال بیشترین بسامد وقوع را داشته است.

افزون بر دو پژوهش یادشده، می‌توان به بررسی‌های دیگری مانند افخمی و اصغری (۱۳۹۱)، مختاری و رضایی (۱۳۹۲)، یوسفیان و دیگران (۱۳۹۴)، رضایی و سعیدی (۱۳۹۴)، چنگیزی و عبدالکریمی (۱۳۹۶)، راسخ‌مهند و کیانی (۱۳۹۶)، اسمعیلی طاهری (۱۳۹۷) و مظفری و دیگران (۱۳۹۷) اشاره کرد که حروف اضافه را در زبان فارسی (حروفی به‌جز حرف اضافه «به») بررسی کرده‌اند.

در موضوع ظرفیت فعل و متمم‌های آن می‌توان به پژوهش‌هایی همچون عباسی و انزایی‌نژاد (۱۳۸۲) اشاره کرد که متمم‌های فعلی و همین‌طور افعال متمم‌پذیر را در تاریخ جهانگشای بررسی کرده‌اند. عباسی و انزایی‌نژاد در بخش متمم‌های فعلی تاریخ جهانگشای، به متمم‌هایی اشاره می‌کنند که با حروف اضافه (از، با، بر، به و در) همراه می‌شوند.

حیدرپور (۱۳۸۳) شیوه‌های تغییر ظرفیت افعال را مورد توجه قرار داده و بیان می‌دارد که این تغییرات شامل تغییرات واژگانی و تغییرات نحوی است. وی در تغییرات نحوی به دو فرایند سببی‌سازی و مجهول‌سازی اشاره می‌کند.

طیب‌زاده (۱۳۸۴) با اشاره به اینکه مهم‌ترین مبحث نحو، تعیین تعداد و انواع وابسته‌های فعل است، پس از بیان تفاوت‌های میان دستور وابستگی و دستور زایشی با محوریت وابسته‌های فعل، انواع وابسته فعلی را در زبان فارسی براساس دستور وابستگی بررسی کرده است. نغزگوی کهن (۱۳۸۶) کتاب ظرفیت فعل طیب‌زاده را بررسی کرده است و مهم‌ترین هدف دستور وابستگی را تعیین متمم‌های اجباری و اختیاری و متمم‌ساختن آن‌ها از افزوده‌ها بیان می‌دارد و به کاربردی‌بودن نظریه وابستگی

برای آموزش زبان خارجی و فرهنگ‌نگاری اشاره می‌کند.

طیب‌زاده (۱۳۹۳) به وابسته‌های اجباری و اختیاری افعال، اسم‌ها و صفت‌ها پرداخته است. او در بحث وابسته‌های فعلی به ساخت‌های بنیادین اصلی در زبان فارسی اشاره می‌کند و در این موضوع ساخت‌های بنیادین تک‌ظرفیتی، دو‌ظرفیتی، سه‌ظرفیتی و چهارظرفیتی زبان فارسی را معرفی می‌کند؛ همچنین طیب‌زاده در بحث ساخت‌های بنیادین مشتق به فرایندهای مجهول‌سازی، سببی‌سازی، اسنادی‌سازی و فرایند ضد سببی اشاره می‌کند. بررسی وابسته‌های اجباری و اختیاری فعل، موضوع دیگری است که طیب‌زاده به آن پرداخته است.

در نوشتار پیش رو تلاش می‌شود در دسته‌بندی افعال، با الهام از رویکرد لوین، گروهی از فعل‌های زبان فارسی دسته‌بندی شود که در ظرفیت نحوی آن‌ها مفعول حرف اضافه‌ای «به» وجود دارد. برای این منظور از فرهنگ ظرفیت نحوی افعال زبان فارسی (رسولی و دیگران، ۲۰۱۱) استفاده شده است. این فرهنگ (نسخه ۳/۰) شامل (۴۵۰۰) فعل ساده، فعل‌های پیشوندی، فعل مرکب، عبارت‌های فعلی همراه با متمم‌های آن‌ها است. فرهنگ ظرفیت نحوی افعال زبان فارسی تحت حمایت شورای عالی اطلاع‌رسانی، طراحی و ساخته و در سال (۱۳۹۱) منتشر شده است.^۱

در فرهنگ ظرفیت نحوی زبان فارسی، تعیین ظرفیت نحوی افعال با استفاده از دستور وابستگی (تنی‌یر^۲ ۱۹۵۳، ۱۹۵۹ و ۱۹۸۰) صورت گرفته و با توجه به آن، پس از معرفی فهرست افعال زبان فارسی، انواع متمم‌ها مانند فاعل، مفعول صریح، مفعول غیر صریح، مسند، تمیز، متمم قیدی، مفعول حرف اضافه‌ای، بند متممی فعل، مفعول نشانه اضافه‌ای برای هر فعل مشخص شده است و در اطلاعات مربوط به متمم‌های فعلی، نوع حرف اضافه مرتبط با هر متمم (مانند از، به، در، برای، با و مانند آن) نیز به تفکیک هر فعل تعیین شده است.

در خروجی فرهنگ ظرفیت نحوی افعال زبان فارسی، بن ماضی، بن مضارع، پیشوند، فعل‌یار، حرف اضافه فعلی و ساخت ظرفیت فعل‌ها برای هر فعل ذکر شده است.

بر اساس این، روش کار در پژوهش حاضر به این شکل خواهد بود که ابتدا از فرهنگ ظرفیت نحوی افعال زبان فارسی، تمام فعل‌هایی که در ظرفیت آن‌ها حرف اضافه «به» وجود دارد، فهرست شوند. تمرکز نوشتار پیش رو بر افعال ساده زبان فارسی است؛ بر همین اساس از بین فعل‌های

1. peykaregan.ir

2. L. Tesniere

معرفی شده، فعل‌های پیشوندی، مرکب و حرف اضافه‌ای، حذف و تنها افعال ساده حفظ شدند. در این میان حدود (۲۰۰) ظرفیت فعل باقی ماند؛ البته مواردی که به گونه یا سبکی خاص تعلق داشت و در امر زبان‌آموزی مراحل ابتدایی، آموزش داده نمی‌شود، کنار گذاشته شد؛ برای نمونه فعل‌های «اندیشید، چربید، پراکند، وزاند، کشانید، فشانید، انباشت، نواخت، افشانید، باراند، غلطاند، سپارد و رسانید»، از این موارد هستند.

لازم به توضیح است که منظور از ظرفیت فعل اشاره به این نکته است که برخی افعال براساس ظرفیت خود می‌توانند دارای چند معنا باشند؛ برای مثال فعل «افتاد» با دو ظرفیت | فاعل، مفعول حرف اضافه‌ازی، مفعول حرف اضافه «به‌ای» و ظرفیت دوم || دارای دو معنای متفاوت هستند. در اینجا و در شمارش تعداد افعال، فعل «افتاد» براساس ظرفیت و معنای متفاوت دو بار شمارش می‌شود و گرنه پرواضح است که براساس صادقی (۱۳۷۲)، تعداد افعال بسیط زبان فارسی به‌طور کلی (۲۵۲) مورد تخمین زده شده است.^۱

۲- چارچوب نظری

در نوشتار پیش رو دو رویکرد، مبنای نظری کار را تشکیل می‌دهند. یکی رویکرد لوین در مبنا قراردادن ظرفیت نحوی افعال برای دسته‌بندی آن‌ها که پیش‌تر درباره آن صحبت شد و دیگری نظریه دستور وابستگی که مبنای تشکیل فرهنگ نحوی افعال زبان فارسی قرار گرفته و همان‌طور که گفته شد، در رویکرد لوین نیز دسته‌بندی معنایی افعال براساس آن (ظرفیت نحوی افعال) صورت می‌گیرد.

دستور وابستگی نخستین بار به‌وسیله لوسین تنی‌یر (۱۹۵۳، ۱۹۵۹ و ۱۹۸۰)، اهل فرانسه معرفی شد و خیلی زود در سراسر اروپا شناخته شد (طیب‌زاده، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۳). دستور وابستگی با امکانات توصیفی و سازوکارهایی که دارد، می‌تواند برای حوزه‌های مختلف درگیر با زبان بسیار سودمند باشد که از این میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (طیب‌زاده ۱۳۹۳):

(۱) دستور وابستگی به فرهنگ‌نگاران این امکان را می‌دهد تا چگونگی کاربرد کلمات در جمله را به‌سادگی به کاربران آموزش دهند.

(۲) نویسندگان کتاب‌های آموزش زبان با مقایسه ساخت‌های ظرفیتی کلمات در دو زبان مقصد و مبدأ

۱. لازم است گفته شود که مقایسه دو فرهنگ ظرفیت نحوی افعال زبان فارسی (رسولی و دیگران، ۲۰۱۱) و فرهنگ ظرفیت معنایی زبان فارسی (میرزائی و مولودی، ۲۰۱۵) که برگرفته از پیکره گزاره‌های معنای زبان فارسی (میرزائی و مولودی، ۲۰۱۶) است، می‌تواند پژوهش‌ها و دستاوردهای آموزشی مختلفی را به‌دست دهد.

می‌توانند زبان‌آموزان را برای استفاده بهتر و ناخودآگاه از ساخت‌های زبان مادری در زبان دوم راهنمایی کنند.

(۳) دستور وابستگی با دراختیار قراردادن ساخت‌های ظرفیتی کلمات، مطالعات تطبیقی و رده‌شناختی بین زبان‌های مختلف را هموار می‌سازد.

(۴) و در آخر عینی‌بودن این دستور و همین‌طور ارائه فرمول‌های ساده، امکان صورت‌بندی دستاوردهای دستور وابستگی را در راستای پردازش زبان به‌سادگی امکان‌پذیر می‌کند.

یکی از مباحث نظریه کاربردی دستور وابستگی، مبحث ظرفیت است که در امر آموزش زبان به خارجی‌زبان‌ها بسیار کاربردی و مهم است. کاربرد مبانی این دستور در کلاس‌های آموزش زبان آلمانی گوته و تولید دستورهای وابستگی و فرهنگ‌های دوزبانه و تک‌زبانه معروف به فرهنگ‌های ظرفیت نشان از اهمیت بالای این دستور دارد (طیب‌زاده، ۲۰۰۲، به نقل از طیب‌زاده، ۱۳۹۳).

برای توضیح موضوع ظرفیت باید گفت که در این رویکرد، اجزاء جمله در گروه‌های کوچک‌تر مانند گروه‌های اسمی، گروه‌های حرف اضافه‌ای و مانند آن‌ها قرار می‌گیرند و این گروه‌ها هر کدام از یک هسته و وابسته‌های اجباری و اختیاری تشکیل می‌شوند. در کنار این وابسته‌ها برخی افزوده‌های عام و خاص نیز می‌توانند قرار داشته باشند و به‌طور کلی میان هسته و وابسته‌ها (چه اختیاری و چه اجباری) روابط وابستگی ایجاد می‌شود. در این رویکرد، در کنار بحث روابط هسته و وابسته، می‌توان گفت که تمام اجزاء درونی جمله به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم از وابسته‌های فعل به‌شمار می‌روند. وابسته‌های اجباری و اختیاری فعل جزء ظرفیت‌های آن به حساب می‌آیند و همان‌طور که گفته شد، تهیه فرهنگ‌های ظرفیت در زبان‌های مختلف براساس این روابط شکل گرفته‌اند و منابع مناسبی برای آموزش زبان به‌دست داده‌اند.

بدیهی است که در درون یک جمله، متم‌های فعلی در قالب گروه‌های حرف اضافه‌ای وابسته مستقیم هسته فعلی هستند و به‌مثابه سازوکارهای نحوی که حامل معنی‌های دستوری هستند، ایفای نقش می‌کنند. به دیگر سخن، مفعول حرف اضافه‌ای «به» ای می‌تواند در نقش پذیرنده ظاهر شود (مانند کتاب را به او دادم) یا مفهوم مقصد را بازنمایی کند (مانند به شیراز رفتم).

نوشتار پیش رو در بحث دسته‌بندی افعال، رویکرد لوین (۱۹۹۳) را مبنای کار قرار داده است. لوین زبان‌شناس آمریکایی و استاد دانشگاه استنفورد برای افعال، معنای نحوی قائل می‌شود و بیان می‌دارد که دلیل تشابه معنایی، رفتار نحوی مشابه آن‌ها است. این یعنی تشابه معنایی افعال و قرارگیری آن‌ها در

یک دسته، مربوط به رفتار نحوی این گروه از افعال است. به این ترتیب، لوین بر این باور است که می‌توان در مجموعه افعال یک زبان، دسته‌بندی‌های معنایی - نحوی به‌دست داد. وی بر همین اساس، واژه‌نامه‌ای از افعال زبان انگلیسی را ایجاد می‌کند و با این دیدگاه فهرستی حاوی (۲۴۰) دسته از افعال زبان انگلیسی را در (۴۷) طبقه اصلی ارائه داده است.

هریک از طبقه‌های معرفی شده از سوی لوین مجموعه‌ای از افعال را دربر می‌گیرد؛ برای مثال دسته فعل‌های مرتبط با احساس شامل مجموعه‌ای از افعال مانند «دوست داشتن»، «متفربودن»، «خوش آمدن»، «پسندیدن»، «خواستن»، «اکراه داشتن»، «ناراحت شدن»، «خوشحال شدن» و مانند آن است. این افعال در زبان مورد بررسی لوین، به‌لحاظ نحوی و از جهت نوع متمم‌پذیری، مشابه رفتار می‌کنند و همین سبب شده است که لوین آن‌ها را در یک طبقه معنایی قرار دهد. در پژوهشی دیگر کپیپر^۱ و دیگران (۲۰۰۶) در تهیه شبکه افعال زبان انگلیسی با عنوان وربنت^۲ دسته‌بندی لوین را الگو قرار داده و با افزودن طبقات دیگری به افعال معرفی شده از سوی لوین، شبکه‌ای از افعال زبان انگلیسی را به‌دست داده است. در جدول (۱) تعدادی از افعال معرفی شده از سوی لوین که براساس شباهت در رفتار نحوی مشخص شده‌اند، آمده است.

جدول (۱). تعدادی از طبقه‌های فعلی در دسته‌بندی لوین (۱۹۹۳)

افعال مرتبط با «احساسات»	افعال مرتبط با «گذاشتن»
افعال مرتبط با «پرتاب کردن»	افعال مرتبط با «حذف کردن»
افعال مرتبط با «رنگ آمیزی»	افعال مرتبط با «فرستادن» و «حمل کردن»
افعال مرتبط با «پنهان کردن»	افعال قدرتی: افعال مرتبط با «هل دادن/ کشیدن»
افعال تماس: افعال مرتبط با «لمس کردن»	افعال مرتبط با «تغییر مالکیت»
افعال مرتبط با «بریدن»	افعال مرتبط با «یادگیری»
افعال مرتبط با «ترکیب» و «وصل کردن»	افعال مرتبط با «نگه داشتن» و «داشتن»

۳- تحلیل داده

فعل یک جمله از آن لحاظ که فاعل و مفعول‌ها را مشخص می‌کند، هسته اصلی جمله به‌شمار می‌رود. باقی جمله، سازه‌های افزوده هستند که آن‌ها نیز برای معرفی ویژگی‌های فعل ظاهر می‌شوند؛ به بیان دیگر، با تشریح وضعیت فعل می‌توان تصویری از تمامیت جمله به‌دست داد و برای مثال، در امر آموزش می‌توان تشریح وضعیت فعل و دسته‌بندی‌های آن را گامی در راستای آموزش ساخت جمله

دانست؛ همچنین است اگر بتوان دسته‌بندی‌های معنایی افعال را به ماشین آموزش داد و همان‌طور که گفته شد، حروف اضافه که سازنده متمم‌های فعلی‌اند، به‌مثابه سرنخ‌های دستوری‌ای هستند که به‌جهت محدود بودنشان (به‌لحاظ تعداد)، زودتر شناسایی می‌شوند.

با این تصور، تمرکز پژوهش حاضر بر افعال ساده‌ای است که در ظرفیت خود مفعول حرف اضافه «به» ای دارند. فهرست این افعال و ظرفیت آن‌ها همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، از فرهنگ ظرفیت نحوی افعال زبان فارسی استخراج شده است. به‌نظر می‌رسد ظرفیت‌های نحوی این افعال با توجه به دسته معنایی‌ای که در آن قرار می‌گیرد، بتوانند در درس‌های آموزش دستور گنجانده شوند. بدیهی است که برای هر یک از این فعل‌ها می‌توان هم‌معنی‌هایی از میان افعال مرکب، پیشوندی و حرف اضافه‌ای معرفی کرد؛ برای مثال «سپرد»، «به‌امانت سپرد»، «امانت داد» و مانند آن‌ها، همه در یک ردیف معنایی هستند؛ به دیگر سخن، تشریح وضعیت فعل‌های ساده، دورنمایی از وضعیت فعل‌های ترکیبی را به‌دست می‌دهد.

با الهام از رویکرد لوین در دسته‌بندی افعال، از میان دو‌یست فعل مستخرج از فرهنگ ظرفیت نحوی زبان فارسی، با بررسی‌ای که صورت گرفت، توانستیم براساس رفتار نحوی و ظرفیت افعال، هفت دسته معنایی را به‌دست دهیم. در این بخش هر هفت گروه معنایی به‌تفصیل معرفی می‌شود؛ ظرفیت مفعول حرف اضافه «به» ای در هر ظرفیت ابتدا نشان داده می‌شود و ذیل آن فعل‌های مرتبط با آن‌ها همراه با جملاتی برای مثال و بعد به‌طور کامل توضیح آن‌ها بیان می‌شود.

۳-۱- افعال دارای مفعول حرف اضافه‌ای «به‌ای»: در معنای مفهوم نمود^۱ و وجه^۲

گروه اول فعل‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر فعل‌هایی هستند که در ظرفیت خود مفعول حرف اضافه «به» ای دارند و در معنای نمود یا وجه ظاهر می‌شوند. نگارندگان نوشتار پیش رو بر این باور هستند که این گروه از افعال را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد؛ دسته اول فاعل جاندار و دسته دوم فاعل بی‌جان دارد. در داده مورد بررسی در پژوهش حاضر، در دسته اول که فاعل آن‌ها جاندار است، با ظرفیت <فاعل جاندار، مفعول حرف اضافه‌ای [به]> فعل‌های «افتاد»، «ایستاد»، «پرداخت»، «نشست» شناسایی شدند. در نوشتار پیش رو این مفاهیم براساس میرزائی (۱۳۹۳) نمود در نظر گرفته می‌شوند.

(۱) وقتی بنده به نماز ایستاد، خداوند متعال به او توجه می‌کند.

(۲) او غش غش به خنده افتاد.

(۳) چون راه‌رفتن آموختم، به دویدن پرداختم.

(۴) گاهی باید سکوت کرد و به تماشا نشست.

در مثال (۱) فاعل جاندار، یعنی «بنده» مشغول به انجام کاری، یعنی نمازخواندن است. در اینجا فعل «ایستاد» در معنای اصلی خود نیست و مفهوم نمودی دارد؛ یعنی «ایستاد» در اینجا بیان‌گر شروع کار است. در این حالت، کنش نمازخواندن به صورت مفعول حرف اضافه‌ای «به» ای فعل ایستادن ظاهر شده است.

در مثال (۲) فاعل جاندار، در حال خندیدن است و در اینجا فعل «افتاد» در معنی نمود ظاهر شده است و نشان می‌دهد که فاعل شروع به عمل خندیدن کرده است. در این معنا، کنش خنده به صورت مفعول حرف اضافه‌ای «به» ظاهر شده است.

در مثال (۳) فاعل جاندار است و فعل «پرداختن» در معنای نمودی ظاهر شده و به شروع کنش دویدن اشاره می‌کند. مثال (۴) نیز فاعل جاندار دارد و فعل «نشست» همراه با مفعول حرف اضافه «به» ای، در معنای تماشاکردن است و فعل «نشست» مفهوم نمودی دارد.

در دسته دوم، افعال اول از این گروه، فاعل بی‌جان در همراهی با مفعول حرف اضافه‌ای «به» ای معنای نمود را نشان می‌دهند. در این گروه، با ظرفیت <فاعل بی‌جان، مفعول حرف اضافه‌ای [به]> دو فعل «انجامید» و «رسید» قابل ذکر هستند.

(۵) رالی خانواده هفته بسیج در شهرستان دماوند به پایان انجامید.

(۶) ساخت این اثر حدود سه ماه به طول انجامید.

(۷) جشنواره ملی عکس شاهنامه به آخر رسید.

در مثال (۵) فاعل، بی‌جان و کاری انجام‌شده و تمام‌شده است. «انجامید» معنای نمود دارد و از انجام فعل خبر می‌دهد. نمونه دیگر آن مثال (۶) است و موارد دیگری از این نمونه شامل «به طول انجامید»، «به شکست انجامید»، «به بی‌اعتمادی انجامید»، «به درگیری انجامید» و مثال‌هایی مانند آن در داده‌ها قابل مشاهده هستند.

در مثال (۷) فاعل، یعنی جشنواره، بی‌جان است و با مفعول حرف اضافه‌ای «به» و فعل «رسیدن» مفهوم نمود، بازنمایی شده است. در واقع رسیدن در معنای اصلی خود ظاهر نشده و در کنار «آخر»

به‌منزله عنوان مفعول حرف اضافه «به» ای، فعل را تشکیل داده است. «رسید» نمود را نشان می‌دهد و «آخر» نماینده فعل «آخردن» است. لازم به ذکر است که «رسید» می‌تواند در معنای «شد» هم ظاهر شود و نمونه‌هایی از این کاربرد شامل «به تصویب رسید»، «به امضا رسید»، «به تأیید رسید» است (میرزائی، ۱۳۹۸: ۱۴۴).

گروه دوم این دسته از فعل‌ها، آن‌هایی هستند که در معنای وجه برداشتی^۱ ظاهر می‌شوند. ظرفیت این افعال به صورت <فاعل جاندار> (مفعول) [+/-]، مفعول حرف اضافه ای [به] <است>؛ یعنی مفعول صریحی به ظرفیت فعل اضافه می‌شود و فاعل در این موارد هم جاندار است. در اینجا فاعل، مفعول را به کاری گمارد. فعل «گماشت» و «گمارد» که مفهوم وجه را نشان می‌دهند، در اینجا قابل ذکر است. با این فعل‌ها کار به کسی سپرده می‌شود و این فعل‌ها معنی دستوردادن دارد.

۸) او را به فرماندهی لشکر گماشت.

۹) او عباس میرزا را که چند ماهه بود به نام شاه عباس سوم به سلطنت گمارد.

در هر دو جمله (۸) و (۹) به‌واسطه فعل‌های «گماشت» و «گمارد»، فاعل جاندار، مفعول صریح را به کاری وادار کرده است. کار مورد نظر، همان مفعول حرف اضافه ای «به» ای است.

لازم به ذکر است که نگارندگان پژوهش حاضر، فعل‌های کم کاربرد را به دلیل آنکه می‌خواهیم این فهرست را برای آموزش زبان پیشنهاد کنیم، از فهرست بررسی خارج کرده‌اند. در اینجا شاید خوب بود دو فعل «گماشت» و «گمارد» نیز به دلیل کاربرد کم، حذف می‌شدند؛ اما چون این دو فعل، یک دسته فعلی با معنای وجه ایجاد کرده‌اند و در صورتی که فعل مرکب هم بررسی شود، می‌تواند نماینده «منصوب کرد» و افعال هم‌معنای آن باشد، آن را حذف نکردیم.

۳-۲- افعال دارای مفعول حرف اضافه ای به‌ای: در معنای لمس کردن یا اتصال و تماس با سطوح

گروه دوم فعل‌های مورد بررسی پژوهش، فعل‌هایی هستند که در ظرفیت خود مفعول حرف اضافه «به» ای دارند و در معنای لمس کردن یا اتصال و تماس با سطوح ظاهر می‌شوند. این گروه از افعال، خود به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول فاعل جاندار و دسته دوم فاعل بی‌جان دارد.

در دسته اول دو گروه‌بندی می‌توان در نظر گرفت. در گروه اول فاعل جاندار خودش با چیزی برخورد دارد و در گروه دوم، فاعل جاندار چیزی را به چیزی برخورد می‌دهد؛ یعنی در گروه اول به‌جز

فاعل جاندار، فقط یک مفعول حرف اضافه «به» ای داریم و در گروه دوم یک مفعول صریح هم اضافه می‌شود؛ برای نمونه در هر دو ظرفیت فعل «کوبید» وجود دارد. در کوبید اول، فاعل، خودش به جایی می‌کوبد و در گروه دوم فاعل چیزی را به مفعول حرف اضافه «به» ای می‌کوبد.

در دسته اول در گروه دوم با ظرفیت <فاعل جاندار، مفعول حرف اضافه ای [به | بر | روی]> فعل‌های «کوبید» و «زد» قابل مشاهده است، به این صورت که در این ظرفیت فاعل جاندار خود به جایی برخورد می‌کند. در اینجا فاعل جاندار با مفعول حرف اضافه «به» ای برخورد دارد.

۱۰) دارکوب تا کی به درخت خواهد کوبید؟

در مثال (۱۰) دارکوب (به‌مثابه فاعل جاندار) به درخت می‌کوبد. در اینجا ظرفیت فعل بدون مفعول صریح ظاهر می‌گردد. مثال‌های دیگری مانند «عصبانی شد و روی میز کوبید» یا «زد روی میز و بلند گفت...» از این نمونه هستند.

در گروه دوم از این دسته‌بندی، نیز فاعل جاندار داریم، با این تفاوت که مفعول صریح هم در ظرفیت فعل ظاهر می‌شود. فعل‌های «کوبید»، «گذاشت»، «گذارد»، «مالید»، «انداخت»، «کشاند»، «کشید»، «پاشید»، «ریخت»، «گردانید»، «تاباند»، «چسباند»، «سایید»، «فشرد»، «کوفت»، «پاشاند»، «غلتاند»، «غلتانید»، «پیچاند»، «پیچانید»، «پیچید»، «پراند» و «بست»، نمونه‌هایی از این گروه افعال هستند. همان‌طور که گفته شد، ظرفیت این فعل‌ها شامل <فاعل جاندار، (مفعول) [+/-]، (مفعول حرف اضافه ای) [به | بر | روی | سر | پشت | کنار | مقابل | جلوی | در | روبه‌روی | زیر | سمت | سوی | طرف]> است. همان‌طور که دیده می‌شود، برای این ظرفیت (۲۳) فعل موجود است. در اینجا به‌غیر از مفعول حرف اضافه «به» ای حروف اضافه دیگری مانند «بر»، «روی»، «سر»، «پشت»، «روبه‌روی»، «زیر»، «سمت»، «سوی» و «طرف» با این ظرفیت و فعل‌ها قابل کاربرد هستند.

در این دسته با عاملیت فاعل جاندار، چیزی به چیزی برخورد می‌کند و بر این اساس یک مفعول صریح و یک مفعول حرف اضافه ای «به» ای داریم.

۱۱) سرش را چندبار به گوشه دیوار کوبید.

۱۲) معلم یک کاغذ سفید با لکه سیاه را به تخته چسباند.

۱۳) مدافع پرسپولیس پس از اعلام پنالتی به سود شاگردان نکونام، خود را به زمین کوبید.

در دو مثال (۱۱) و (۱۲) فاعل جاندار، مفعول صریح را به مفعول حرف اضافه «به» ای، یعنی در

جمله اول «سر» را به «دیوار» و در جمله دوم «کاغذ سفید» را به «تخته» اتصال داده است. مثال (۱۳) هم از همین گروه از افعال است. همان‌طور که مشخص است، فاعل خود را به جایی کوبیده، اما همین کلمه «خود» به شکل مفعول نیز ظاهر شده است.

در گروه دوم این دسته معنایی، فاعل بی‌جان به مفعول حرف اضافه «به» ای برخورد می‌کند و خبری از کننده کار یا به بیانی کنش‌گر نیست. فعل‌های «پیوست»، «چسبید» و «خورد» در داده‌های پژوهش حاضر، دارای ظرفیت نحوی <فاعل بی‌جان، مفعول حرف اضافه‌ای [به]> هستند و در این دسته بندی قرار دارند.

(۱۴) سعی کنید حرارت زیاد نباشد، در غیر این صورت برنج به ته قابلمه خواهد چسبید.

در مثال (۱۴) فاعل بی‌جان به مفعول حرف اضافه‌ای «به» ای چسبیده است؛ البته در این مجموعه ظرفیت دیگری داشتیم که هم می‌توانستیم از مفعول حرف اضافه «به» ای و هم از حرف اضافه «از» ای استفاده کنیم. فعل «آویخت» با ظرفیت <فاعل جاندار، مفعول [را/+]، [مفعول حرف اضافه‌ای] [از] بر| به| در> چنین وضعیتی دارد؛ یعنی هم می‌توانیم بگوییم تابلو را به دیوار آویخت، هم می‌توانیم بگوییم از دیوار آویخت. این وضعیت در فعل‌های دیگر مشاهده نشده است.

۳-۳- افعال دارای مفعول حرف اضافه‌ای به‌ای: در معنای عرضه کردن و انتقال مالکیت مادی و معنوی

گروه سوم فعل‌های مورد بررسی پژوهش، فعل‌هایی هستند که در ظرفیت خود مفعول حرف اضافه «به» ای دارند و در معنای عرضه کردن و انتقال مالکیت مادی و معنوی ظاهر می‌شوند. این گروه از افعال، خود به دو گروه تقسیم می‌شوند. هر دو دسته فاعل جاندار دارند و تفاوتشان در مالکیت چیزهاست. در گروه اول مالکیت یک چیز فیزیکی واگذار می‌شود، اما در گروه دوم، انتقال اطلاعات و مفاهیم معنوی و ذهنی را داریم.

فعل‌های با ظرفیت <فاعل، مفعول [را/+]، [مفعول حرف اضافه‌ای] [به]> در داده مورد بررسی، شامل افعال «داد»، «سپرد»، «بخشید» و «فروخت» هستند. در این افعال شیء فیزیکی به مفعول حرف اضافه‌ای «به» ای داده یا بخشیده می‌شود. بدیهی است این فعل‌های ساده، با فعل‌های مرکب هم‌چون «هدیه داد»، «قرض داد»، «اجاره داد»، «امانت داد»، «اختصاص داد»، «تحويل داد» و مانند آن‌ها هم معنی هستند و در صورت یادگیری افعال ساده، الگویی برای افعال مرکب نیز ایجاد شده است.

(۱۵) معلم خوزستانی ارثیه‌اش را به دانش‌آموزان بخشید.

در جمله (۱۵) فاعل شیء فیزیکی و در اینجا پول به کسی بخشیده است؛ یعنی مالکیت یک چیز فیزیکی به کسی داده شده است.

(۱۶) یکی از شرکا سهم خود را به شخص دیگری فروخت.

در مثال (۱۶) فاعل چیزی را به کسی فروخته و این فعل در معنای انتقال چیزی به صورت مادی مطرح شده است. فعل‌های دسته دوم این بخش در انتقال مالکیت ذهنی و معنوی دخیل هستند. این گروه از افعال، خود به دو گروه تقسیم می‌شوند. در دسته اول مفعول صریح به صورت گروه اسمی ظاهر می‌شود و در دسته دوم به صورت بندی.

در دسته اول از گروه دوم و با ظرفیت <فاعل، مفعول [+/-]، مفعول حرف اضافه‌ای [بر|به]>، فعل‌های «آموخت»، «آموزاند»، «فهماند»، «پذیراند»، «قبولاند»، «رساند» و «باوراند» قابل ذکر هستند. در این افعال، فاعل، مفعول صریح اسمی و انتزاعی را به مفعول حرف اضافه «به» ای می‌دهد؛ برای مثال فعل «قبولاند» به معنای انتقال اطلاعات به کسی است و چیزی به صورت مادی عرضه نمی‌شود.

(۱۷) شاملو، کسی است که شعر بدون وزن را به تاریخ ادبیات قبولاند.

در جمله (۱۷) مفعول صریح در گروه اسمی نمایان شده و انتقال اطلاعات در قالب گروه اسمی صورت گرفته است.

(۱۸) یونسکو اهمیت دانش بومی را به من فهماند.

در مثال (۱۸) نیز فعل فهماند در معنای انتقال اطلاعات نمایان شده و مفعول صریح در جمله به صورت گروه اسمی آمده است.

فعل‌های دسته دوم از گروه دوم و با ظرفیت <فاعل، مفعول حرف اضافه‌ای [به]، بند> شامل همان فعل‌های دسته اول گروه دوم یعنی «آموخت»، «آموزاند»، «فهماند»، «پذیراند»، «قبولاند»، «رساند» و «باوراند» است، اما همان‌طور که گفته شد، مفعول صریح، قالب بندی دارد.

(۱۹) شرایط ایجادشده بعد از شیوع جهانی بیماری کرونا بیش از هر زمان دیگری به ما فهماند که مدیریت بر اکوسیستم گردشگری، نیاز به تفکر استراتژیک همراه با خلاقیت دارد.

در جمله (۱۹) مفعول صریح در قالب بند نمایان شده و «فهماند» نیز در مفهوم انتقال اطلاعات ظاهر شده است.

۳-۴- افعال دارای مفعول حرف اضافه‌ای به‌ای: در معنای اظهار و بیان‌داشتن

گروه چهارم فعل‌های مورد بررسی پژوهش، فعل‌هایی هستند که در ظرفیت خود مفعول حرف اضافه «به» ای دارند و در معنای اظهار و بیان‌داشتن ظاهر می‌شوند. این گروه از افعال، با معنای گفتن به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند و دسته اول نیز خود به دو گروه تقسیم می‌شود:

در گروه اول از دسته اول مفعول صریح به صورت گروه اسمی و در گروه دوم از دسته اول مفعول صریح به صورت بندی ظاهر می‌شود. این گروه با ظرفیت <فاعل، مفعول صریح، (مفعول حرف اضافه‌ای) [با|به|را]، بند> و <فاعل، (مفعول حرف اضافه‌ای) [با|به|را]، بند> شامل فعل‌های «گفت» و «فرمود» است و در معنای فرمان‌دادن نیز به کار می‌روند.

(۲۰) پیرزن نبضم را گرفت به مادرم گفت که پسرت سینه‌پهلو کرده است.

در این جمله مفعول صریح در قالب بند ظاهر شده است و گفت در معنای بیان‌کردن و گفتن آمده است.

(۲۱) سنگ‌های کنار راه همه به زمزمه به او چیزی گفتند.

در مثال (۲۱) مفعول صریح به صورت گروه اسمی ظاهر شده است.

دسته دوم از این بخش با ظرفیت <فاعل، مفعول حرف اضافه‌ای [از| درباره| درمورد]، (مفعول حرف اضافه‌ای) [با|به]> ظاهر شدند و شامل فعل‌های «گفت» و «نوشت» هستند. در این ظرفیت، فاعل، از مفعول حرف اضافه «از»ی به مفعول حرف اضافه «به»ای چیزی می‌گوید. این افعال بیان‌کردن را نشان می‌دهند.

(۲۲) ... و او از خاطرات کودکی‌اش به ما گفت.

در مثال (۲۲) فاعل به مفعول حرف اضافه‌ای «به»ای، از چیزی می‌گوید و این چیز به شکل مفعول حرف اضافه‌ای «از»ی ظاهر شده است. مشخص است که به جای «از» می‌شد از «درباره» یا «درمورد» هم استفاده کرد.

۳-۵- افعال دارای مفعول حرف اضافه‌ای به‌ای: در معنای حرکت و جابه‌جایی

گروه پنجم فعل‌های مورد بررسی، فعل‌هایی هستند که در ظرفیت خود مفعول حرف اضافه «به»ای دارند و در معنای حرکت و جابه‌جایی ظاهر می‌شوند. این دسته از افعال، خود به سه گروه تقسیم

می‌شوند:

گروه اول، با ظرفیت <فاعل> (مفعول حرف اضافه‌ای) [از]، (مفعول حرف اضافه‌ای) [بر|به|تا|سمت|پیش|در|سوی|طرف|زیر|سر|کنار|نزد|جلوی|داخل|در|درون|روی]> شامل فعل‌های «رفت»، «دوید»، «رسید»، «آمد»، «گریخت»، «جست» و «پريد» هستند و معنای حرکت و جابه‌جایی را منتقل می‌کنند. در این ظرفیت بیان می‌شود که فاعل جاندار، خودش از جایی به جایی حرکت می‌کند.

(۲۳) امام حسین (ع) از مدینه خارج شد، ولی به سمت عراق نرفت؛ بلکه به سمت مکه رفت.

(۲۴) از آنجا به ساری رسید.

در مثال (۲۳) فاعل (امام حسین ع) خودش از جایی به جایی می‌رود و رفت در معنای حرکت و جابه‌جایی ظاهر شده است؛ همچنین در مثال (۲۴) کسی از جایی به جایی رسیده است. در اینجا نیز فاعل خودش در حرکت بوده است.

افعال دسته دوم از این بخش، در همان معنای حرکت هستند با این تفاوت که فاعل جاندار، مفعولی را حرکت داده است. در این گروه فعل‌های با ظرفیت فاعل، مفعول [را/+]، (مفعول حرف اضافه‌ای) [از]، (مفعول حرف اضافه‌ای) [به|تا]> شامل «برد»، «رسانید»، «رساند»، «راند»، «آورد» و «دواند» هستند. (۲۵) آشپز غذا را از رستوران به خانه رساند.

در مثال (۲۵) فاعل چیزی را از جایی به جایی رسانده است؛ یعنی آشپز، یک مفعول (غذا) را از رستوران به خانه رسانده است. در اینجا معنای حرکت مفعول صریح به سمت مفعول حرف اضافه‌ای «به» ای مطرح است و فاعلی جاندار باعث این حرکت شده است.

دسته سوم افعال این بخش، به فعل «نشست» با ظرفیت <فاعل> (مفعول حرف اضافه‌ای) [بر|به|در|روی|سر|کنار|مقابل]> اشاره دارد. در اینجا نیز فاعل به سمت جایی حرکت می‌کند؛ ولی مبدأ حرکت قابل ذکر نیست؛ برای مثال در جمله «به تخت نشست» نمی‌گوییم از جایی به روی تخت نشست. در اینجا نیز عمل جابه‌جایی داریم، فقط از کجا ذکر نمی‌شود؛ بنابراین فعل «نشست» هم در همان ظرفیت دسته اول قرار دارد و فقط حرف اضافه «از»ی را ندارد.

(۲۶) برای چیدن گل زعفران باید به روی زمین نشست.

در مثال (۲۶) نشستن در همان معنای تغییر وضعیت مطرح است و همان‌طور که مشخص است،

نمی‌توان مبدأ حرکت یا وضعیت را مشخص کرد. لازم به ذکر است که «به‌تخت‌نشستن» با آنکه معنای اصلی نشستن را در خود حفظ کرده، اما به‌طور کلی معنایی استعاری دارد.

۳-۶- افعال دارای مفعول حرف اضافه‌ای به‌ای: در معنای تناول

گروه ششم فعل‌های مورد بررسی، فعل‌هایی هستند که در ظرفیت خود مفعول حرف اضافه «به» ای دارند و در معنای تناول کردن ظاهر می‌شوند. این ظرفیت <فاعل، مفعول حرف اضافه‌ای [از] را، مفعول حرف اضافه‌ای [به]> با فعل‌های «چشانند»، «خوراند» و «نوشاند» در داده مورد بررسی شناسایی شد. در این ظرفیت، فاعل سبب می‌شود «از چیزی» به مفعول حرف اضافه‌ای «به» ای خورانده شود و همان‌طور که در ظرفیت فعل مشخص است، چیز خورانده‌شده می‌تواند به‌شکل گروه حرف اضافه‌ای «از» ای یا گروه اسمی ظاهر شود.

(۲۷) هرگز نباید غذا را به‌زور به کودک خوراند.

(۲۸) من از حوض کوثر به آنان آب خوش و گوارایی خواهم نوشاند.

در جمله (۲۷) فاعل، مفعول صریح را به مفعول حرف اضافه «به» ای می‌خوراند و در جمله (۲۸) فاعل از چیزی به مفعول حرف اضافه‌ای «به» ای می‌خوراند. تفاوت این دو جمله همان‌طور که مشخص است در حرف اضافه یا به‌بیانی در نقش نحوی «چیز خورانده‌شده» است. در مثال (۲۷)، چیز خورانده‌شده، «را» گرفته و مفعول صریح است؛ اما در مثال (۲۸) مفعول حرف اضافه‌ای «از» ای است.

۳-۷- افعال دارای مفعول حرف اضافه‌ای به‌ای: در معنای حواس پنج‌گانه

گروه هفتم فعل‌های مورد بررسی پژوهش، فعل‌هایی هستند که در ظرفیت خود مفعول حرف اضافه «به» ای دارند و در معنای افعال مرتبط با حواس پنج‌گانه ظاهر می‌شوند. در این معنا و با ظرفیت <فاعل جاندار، مفعول حرف اضافه‌ای [به]> فعل‌های «خندید»، «نگریست» و «نازید» قابل ذکر هستند. در اینجا فاعل در نقش تجربه‌گر، حسّی را تجربه می‌کند؛ البته لازم به ذکر است که برای مثال در خصوص «خندیدن»، فعل می‌تواند معنای کنشی هم داشته باشد و فاعل به‌مثابه کنش‌گر ظاهر شود و «خندیدن» در معنای به‌سخره‌گرفتن ظاهر شود. «نگریستن» هم همین وضعیت را دارد؛ یعنی هم فاعل به‌صورت غیر ارادی می‌تواند چیزی را ببیند و هم به‌صورت ارادی و حتّی می‌تواند به کسی امر کرد که «بنگر...». در هر حالت در این گروه از افعال فاعل جاندار یا در نقش تجربه‌گر یا کنش‌گر، با مفعول حرف اضافه‌ای «به» ای همراه می‌شود.

(۲۹) من سال‌ها به میهنم نازیده‌ام.

(۳۰) شامپانزه با عصبانیت اطرافش را نگاه کرد و داد زد: کی بود به من خندید؟

(۳۱) مهاجم میلان پس از بازکردن دروازه یوونتوس به ستاره پرتغالی خندید.

در مثال (۲۹) و در فعل «نازیدن»، فاعل تجربه‌گر است و کلمه «میهن» به منزله محرک و از نظر نحوی به شکل مفعول حرف اضافه‌ای «به» ای ظاهر شده است؛ اما در مثال‌های (۳۰) و (۳۱) فعل «خندیدن» در معنای تمسخر است.

۳-۸- افعال دارای مفعول حرف اضافه‌ای به‌ای: موارد باقی‌مانده

افزون بر موارد ذکر شده، گروه دیگری از افعال در داده‌های پژوهش مشاهده شده که با ظرفیت <فاعل، مفعول حرف اضافه‌ای [به|بر|روی]> مطرح بودند و شامل فعل‌هایی مانند «باخت» و «تاخت» می‌شدند. این فعل‌ها دسته معنایی تشکیل نمی‌دادند و با آنکه ظرفیت یکسان داشتند؛ اما در گروه‌های تک‌عضوی مطرح بودند. در نوشتار پیش رو فعل‌های ساده بررسی شده‌اند؛ ولی اگر تمرکز پژوهش بر افعال مرکب می‌بود، یا اگر قرار باشد برنامه‌ریزی‌ای که انجام می‌شود، فعل‌های مرکب را نیز دربر گیرد، فعل «تاخت» یا «باخت» و هم معنی‌های آن‌ها می‌توانستند خودشان دسته معنایی تشکیل دهند. به هر حال این فعل‌ها هم مفعول حرف اضافه «به» ای در ظرفیت خود دارند، ولی به تعدادی نبودند که بتوان برای آن‌ها دسته‌بندی انجام داد.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا با استفاده از فرهنگ ظرفیت نحوی افعال زبان فارسی، افعالی که در ظرفیت آن‌ها مفعول حرف اضافه «به» ای وجود دارد، بررسی و با رویکرد لوین، با توجه به ملاحظات نحوی و ظرفیت افعال، به لحاظ معنایی دسته‌بندی شوند. برای این منظور از میان افعالی که در ظرفیت نحوی خود، مفعول حرف اضافه‌ای «به» ای دارند، افعال مرکب، پیشوندی و حرف اضافه‌دار حذف و افعال ساده استخراج شدند. فعل‌های ساده مستخرج از فرهنگ ظرفیت نحوی زبان فارسی که در ظرفیت خود مفعول حرف اضافه‌ای «به» ای دارند نزدیک به دو‌یست مورد بودند.

آن‌چنان که لوین در دسته‌بندی افعال زبان انگلیسی نشان می‌دهد، افعال دارای ظرفیت نحوی یکسان، به‌طور عمده به لحاظ معنایی شبیه هم هستند. با الهام از این رویکرد، در پژوهش حاضر داده‌های حاصل بررسی شدند و در نهایت هفت دسته معنایی فعلی شامل مفهوم نمود و وجه، معنای لمس کردن

یا اتصال و تماس با سطوح، معنای عرضه کردن و انتقال مالکیت مادی و معنوی، معنای اظهار و بیان داشتن، معنای حرکت و جابه‌جایی، معنای تناول و معنای افعال مرتبط با حواس پنج‌گانه به دست آمد.

لازم است گفته شود که در میان پژوهش‌های صورت گرفته در موضوع ظرفیت فعل در زبان فارسی، دسته‌بندی معنایی افعال براساس رفتار معنایی آن‌ها (موضوع پژوهش حاضر) به‌طور مستقل بررسی نشده و تنها به بیان ویژگی‌های نحوی بسنده شده است.

نگارندگان نوشتار پیش رو بر این باور هستند که این دسته‌بندی‌های معنایی، با توجه به نظم نحوی‌ای که دارند، می‌توانند به مثابه الگو و معیاری برای آموزش زبان فارسی به فارسی‌آموزان خارجی باشند؛ همچنین توجه به این دسته‌بندی‌ها در امر آموزش ماشین می‌تواند راه‌گشا باشد. لازم به ذکر است که از میان افعال گزارش شده از فرهنگ ظرفیت نحوی افعال زبان فارسی، بعضی افعال به‌خاطر کاربردی نبودن حذف شدند. برای آینده و به‌منزله پیشنهادهای آتی برای پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر می‌توان بررسی افعال ساده با مفعول حرف اضافه‌ای «از»ی، «برای»، «با»یی و مانند آن را پیشنهاد کرد؛ همچنین بررسی افعال ترکیبی (شامل مرکب، پیشوندی، حرف اضافه‌ای) با توجه به ظرفیت نحوی آن‌ها و گروه‌بندی معنایی این گروه از افعال برای آموزش زبان فارسی به فارسی‌آموزان خارجی می‌تواند موضوع دیگری برای پژوهش باشد.

منابع

- اسمعیلی طاهری، احسان (۱۳۹۷). بحثی در تقسیم حروف اضافه بسیط فارسی (کارکردهای چندگانه پنج حرف اضافه بسیط اصلی). *مجله مطالعات زبانی و بلاغی*، ۱۷ (۹)، ۳۵-۵۴.
- افخمی، علی؛ اصغری، سیده زهرا (۱۳۹۱). چگونگی اشتقاق مفاهیم غیرمکانی از مفهوم مکانی حرف اضافه «در» در حوزه معناشناسی شناختی و براساس نظریه LCCM زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء، (۷)، ۲۸-۴۸.
- چنگیزی، احسان؛ عبدالکریمی، سپیده (۱۳۹۶). روند دستوری‌شدگی حرف اضافه از در زبان فارسی. *مجله پژوهش‌های زبانی*، ۸ (۲)، ۲۱-۳۸.
- حیدرپور، ته‌مین (۱۳۸۳). شیوه‌های تغییر ظرفیت فعل در زبان فارسی. *مجموعه مقاله‌های ششمین کنفرانس زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی (دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی)*، ۶ و ۷ آذر ۱۳۸۳، به‌کوشش ابراهیم کاظمی، (صص. ۱۲۱-۱۳۲)، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- راسخ‌مهند، محمد؛ کیانی، پریسا (۱۳۹۶). توالی گروه‌های حرف اضافه‌ای در زبان فارسی. *نشریه پژوهش‌های*

زبان‌شناسی تطبیقی، ۱۳ (۷)، ۱۳-۴۱.

رضایی، والی؛ سعیدی، همایون (۱۳۹۴). گروه‌های حرف اضافه‌ای در زبان فارسی: یک بررسی نقش‌گرا.

زبان‌شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶ (۱۱)، ۱۱۹-۱۴۲.

رضویان، حسین؛ خانزاده، معصومه (۱۳۹۳). چندمعنایی حرف اضافه «به» در زبان فارسی با رویکرد معنی‌شناسی

شناختی. مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۲ (۷)، ۵۷-۷۹.

صادقی، علی اشرف (۱۳۷۲). درباره فعل‌های جعلی در زبان فارسی. مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان

علم، (صص. ۲۴۶-۲۳۶)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

صحرائی، رضامراد؛ آقایی، حمید (۱۳۹۸). رهنمودهایی برای آموزش دستور زبان فارسی. جلد یک. تهران: نشر

نویسه پارسی.

صحرائی، رضامراد (۱۳۹۹). زبان فارسی را چگونه آموزش دهیم. تهران: نشر نویسه پارسی.

طیب‌زاده، امید (۱۳۸۴). وابسته‌های فعل در زبان فارسی براساس نظریه وابستگی. دستور، (۱)، ۱۳-۲۸.

طیب‌زاده، امید (۱۳۸۵). ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز: پژوهشی براساس نظریه

دستور وابستگی. تهران: نشر مرکز.

طیب‌زاده، امید (۱۳۹۳). دستور زبان فارسی براساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی. تهران: نشر

مرکز.

عباسی، محمود؛ انزایی‌نژاد، رضا (۱۳۸۲). متمم فعل و افعال متمم‌پذیر در تاریخ جهانگشای جویی. دانشکده

ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، (۳)، ۳۳۵-۳۵۲.

علی‌نژاد، مریم؛ آری‌پور، مهلا (۱۳۹۸). رویکرد معناشناسی شناختی به حرف اضافه «به» با تأکید بر شاهنامه

فردوسی. زبان‌شناخت، ۱۰ (۱)، ۸۱-۹۷.

مختاری، شهره؛ رضایی، حدائق (۱۳۹۲). بررسی شناخت شبکه معنایی حرف اضافه «با» در زبان فارسی. مجله

زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان دانشگاه فردوسی مشهد، ۹ (۵)، ۷۴-۹۴.

مظفری، زهرا؛ تاکی، گیتی؛ صباغ جعفری، مجتبی؛ یوسفیان، پاکزاد (۱۳۹۷). سامانه رفع ابهام معنایی از حروف

اضافه در زبان فارسی با استفاده از قالب‌های معنایی. مجله پژوهش‌های زبانی، ۱ (۹)، ۹۹-۱۱۷.

میرزائی، آزاده (۱۳۹۳). فعل‌های چندپاره زبان فارسی. علم زبان، ۲ (۲)، ۵۳-۷۰.

میرزائی، آزاده (۱۳۹۸). انواع الگوهای ساخت مجهول در زبان فارسی. دستور، (۱۵)، ۱۳۱-۱۵۲.

نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۶). ظرفیت فعل (نقدی بر کتاب ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی

امروز؛ پژوهشی براساس نظریه دستور وابستگی. اثر امید طیب‌زاده، تهران، نشر مرکز، دستور، (۳)،

۲۳۳-۲۴۱.

یوسفیان، پاکزاد؛ تکی، گیتی؛ مرادی، ابراهیم (۱۳۹۴). بررسی معنایی و دسته‌بندی حروف اضافه زبان فارسی بر پایه نظریه لیبر. *مجله جستارهای زبانی*، ۶ (۶)، ۲۹۹-۳۲۱.

References

- Abbasi, M. & Enzaeinejad, R. (2004). Verb Complement and the Verbs which accept Complements in the history of Jahangosha Joveini. *Journal of Faculty of Letters & Humanities Ferdowsi University of Mashhad*, 3, 335-352 (in Persian).
- Afkhami, A. & Asghari, S. (2012). A Survey on Emerging Non-Spatial Senses from the Spatial Sense of "Dar" Based on LCCM Theory. *ZABANPAZHUI (Journal of Language Research)*, 4 (7), 27-48. doi: 10.22051/jlr.2013.1002 (in Persian).
- Alinezhad, M. & Arianpoor, M. (2019) Radial Categories of Persian Preposition /be/ within the Framework of Cognitive Semantics with Emphasis on Shahnameh Ferdowsi. *Zabanshenakht*, 10 (1), 63-79 (in Persian).
- Changizi, E. & Abdolkarimi, S. (2017). Grammaticalization Process of the Preposition "az" in Persian Language. *Language Research*, 8(2), 21-38. doi: 10.22059/jolr.2018.65513 (in Persian).
- Esmaili, E. (2018). Another Division on Persian Comprehensive Preposition. *The Journal Of Linguistic and Rhetorical Studies*, 9 (17), 35-54. doi: 10.22075/jlrs.2018.6667 (in Persian).
- Heidarpour, T. (2004). *The Ways to Change the Valency of the verb in Persian, proceeding of the 6th conference of Linguistics*. Tehran: Allameh Tabataba'i University, 121-132 (in Persian).
- Kipper, K., Korhonen, A., Ryant, N. & Palmer, M. (2006). Extending VerbNet with novel verb classes. In *Proceedings of the Fifth International Conference on Language Resources and Evaluation (LREC'06)*.
- Levin, B. (1993). *English verb classes and alternations: A preliminary investigation*. Chicago: University of Chicago press.
- Mirzaei, A. (2014). Fragmented Verbs in Persian. *Language science*. 2 (2), 53-70 (in Persian).
- Mirzaei A. (2020). Different Types of Passive Constructions in Persian language, *Grammar*, 15, 131-152 (in Persian).
- Mirzaei, A. & Moloodi, A. (2015). The PropBank-Based Persian Semantic Valency Lexicon. In *International Workshop on Treebanks and Linguistic Theories (TLT14)*, 284-291.
- Mirzaei, A. & Moloodi, A. (2016). Persian proposition bank. In *Proceedings of the Tenth International Conference on Language Resources and Evaluation (LREC'16)*, 3828-3835.
- Mokhtari, S. & Rezaei, H. (2013). The Semantic Network of the Preposition "ba" in Persian: A Cognitive Study. *Journal of Linguistics & Khorasan Dialects*, 5 (9), 73-94. doi: 10.22067/lj.v5i9.37338 (in Persian).
- Mozaffari, Z., Taki, G., Sabbagh Jaffari, M. & Yusefian, P. (2018). Preposition sense disambiguation in Persian using semantic frames. *Language Research*, 9 (1), 99-117. doi: 10.22059/jolr.2018.66652 (in Persian).
- Naghzguay-Kohan, M. (2008). the Valency of the Verb (Book review on the Valency of the

- Verb and the Basic Structure of Sentence in Persian Language: a Research based on Dependency Grammar: Omid Tabibzadeh, Tehran: Nashre-e-Markaz publishing co.), *Grammar*, 3, 299-321 (in Persian).
- Rasekh Mahand, M. & Kiani, P. (2017). Prepositional Phrases Order in Persian. 7(13), 13-41. doi: 10.22084/rjhll.2017.9351.1533 (in Persian).
- Rasooli, M. S., Moloodi, A., Kouhestani, M. & Minaei-Bidgoli B. (2011). A syntactic valency lexicon for Persian verbs: The first steps towards Persian dependency treebank. In *5th Language and Technology Conference (LTC): Human Language Technologies as a Challenge for Computer Science and Linguistics*, 227-231.
- Razaviyan, H. & Khanzade, M. (2014). Polysemy of the Preposition “be” in Persian Based on Cognitive Semantics. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 57-79 (in Persian).
- Rezai, V. & Saeidi, H. (2015). Prepositional Phrases in Persian: A Functional Analysis. *Language Studies*, 6 (11), 113-135. doi (in Persian).
- Sadeghi, A. A. (1993). About fake verbs in Persian language, *proceeding of Persian language seminar and language of science*, p: 236-246, Tehran: University Publication Cente Publishing co. 236-246 (in Persian).
- Sahraei, R. M. & Aghaee, H. (2019). *Tips for Teaching Grammar part 1*. Tehran: *Neveeseh Parci Publications* (in Persian).
- Sahraei, R. M. (2020). *How to Teach Persian*. Tehran: *Neveeseh Parci Publications* (in Persian).
- Tabibzadeh, O. (2005). Persian Arguments based on Dependency grammar. *grammar*, 1, 13-28 (in Persian).
- Tabibzadeh, O. (2006) the Valency of the Verb and the Basic Structure of Sentence in Persian Language: a Research based on Dependency Grammar. Tehran: *Nashre-e-Markaz publishing co* (in Persian).
- Tabibzadeh, O. (2014). *Persian grammar a theory of autonomous phrases based on Dependency grammar*. *Nashre-e-Markaz publishing co* (in Persian).
- Tesniere, L. (1953). *Esquisse d'une syntax structurale*, Paris.
- Tesniere, L. (1959). *Elements de syntaxe structurale*, Paris.
- Tesniere, L. (1980). *Grundzuege der Strukturele Syntax*, Hg. Von U. Engel, Stuttgart, Klettco.
- Tyler, A. & Evans, V. (2003). Reconsidering Prepositional Polysemy Network: The Case of Over. In: B. Nerlich, Z. Todd, V. Herman & D. D. Clark (Eds.), *Polysemy: Flexible Patterns of Meaning in Mind and Language*, (pp. 95-159). Berlin: *Mouton de Gruyter*.
- Yousefian P, Taki G, Morady E. (2015). Semantic study and classification of Persian prepositions based on Lieber. *LRR*. 2015, 6 (6), 229-321 (in Persian).

